

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۱۷ جون ۲۰۱۷

کنکاشی در متون خاطرات زندان

مصاحبه بهرام رحمانی با عباس سماکار

بهرام رحمانی- عباس سماکار عزیز، می‌دانی که پرسش‌های بسیاری را در باره خاطرات زندانیان سیاسی مطرح است که پاسخ به آن‌ها آسان نیست.

از آن‌جا که شما برنامه‌ای تلویزیونی به‌نام «دیدار با هنرمندان و نویسندگان ایران در تبعید» داری و با برخی از نویسندگان این نوع خاطرات مصاحبه کرده‌ای، من بر آن شدم تا در این راستا پرسش‌هایی با شما مطرح کنم تا اگر مایل باشی به آن‌ها پاسخ بدهی و نتیجه را برای نامه کانون بفرستیم.
عباس سماکار- با کمال میل، بفرمایید.

پرسش- شما چه ارزیابی کلی از خاطرات زندان و نگارش آن‌ها توسط نویسندگان گوناگون داری و نوشتن در این باره را تا چه حد لازم می‌دانی؟

پاسخ- من فکر می‌کنم یکی از ضروری‌ترین مسائل در رابطه با موضوع زندان سیاسی و جنایت‌هایی که جمهوری اسلامی در این زمینه مرتکب شده، همین نوشتن در باره سرکوب و دستگیری و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی است. البته مسأله این جنایت‌ها در همین حد خاتمه نمی‌پذیرد و تأثیرات آن در روحیه اعضای خانواده زندانیان سیاسی، به ویژه کودکان، آسیب‌های جسمی و روحی دراز مدت در خود زندانیان حتی پس از آزادی، محرومیت‌ها و دشواری‌های گوناگون شغلی و اجتماعی برای آن‌ها و خانواده‌شان و همچنین آسیب‌های روانشناسی اجتماعی در مردم ایران و سرنوشت سیاسی و اقتصادی جامعه و بسیاری از مسائل دیگر را هم در برمی‌گیرد.

پرسش- آیا شما می‌توانید به عنوان مقدمه، همان بخش اول؛ یعنی مسائل مربوط به دستگیری و شکنجه و زندان را، در این خاطرات دسته‌بندی کنی تا درباره‌شان یک نگاه و بررسی کلی و کوتاه داشته باشیم و پس از آن به مسائل دیگر بپردازیم؟

پاسخ- البته این امر دشواری است. به ویژه که من در لحظه حاضر در این مصاحبه فاکت‌ها و یادداشت‌های ویژه این کار را در دسترس ندارم و بررسی در این باره نیازمند استناد به خاطرات مشخص است. اما می‌توانم به طور کلی و از

روی حافظه، دسته‌بندی‌های زیر را انجام دهم: این را هم اشاره کنم که یک بررسی دیگر هم می‌شود برنوع نگارش و ساختار زیبایی‌شناسانه این گونه نوشته‌ها داشت و دید که هر یک از این نویسندگان و یا گروه‌هایی از آنان، بر چه نوع نگارش و زیبایی‌شناسی نگارشی متمرکزاند که، کار دقیق و بسیار دشواری ست و نیاز به صرف وقت فراوان دارد. اما در باره دسته‌بندی کلی، بگویم که آنچه را در اینجا بیان می‌کنم در واقع سرفصل‌های موضوع و مسأله زندان و خاطرات زندانیان سیاسی ست که فهرستی برای مطالعه و تحقیق بعدی به‌شمار می‌آید. من تا کنون خاطرات فراوانی از زندانیان سیاسی خوانده‌ام و دیده‌ام که بیش‌تر نویسندگان این خاطرات در درجه نخست بر موضوع دستگیری، شکنجه، توهین و تحقیر و تجاوز جنسی، شرح دوران زندان، مبارزات زندانیان سیاسی در زندان، بهداشت، تغذیه، ملاقات با خانواده‌ها، مسأله توایان و جاسوسان، و اعدام و و نحوه آزادی تمرکز داشته‌اند. اما مسائل دیگری هم مانند وجود کودکان در کنار مادران زندانی، مسأله دشواری‌های زنان زندان سیاسی هست که جای ویژه‌ای در این خاطرات دارند و یکی از حساس‌ترین بخش‌های این خاطرات را شامل می‌شوند و تأثیر آن‌ها به خصوص بر جسم و جان زنان زندانی و کودکان بسیار ناگوار و شدید است و گاهی آثار آن‌ها را می‌شود تا چند دهه پس از آزادی زندانیان سیاسی و رها شدن کودکان از شرایط زندگی در زندان مشاهده کرد و نتایج رنج‌آور آن‌ها را دید. برخی مسائل هم به نام فعالیت‌های فرهنگی و هنری و کارهای دستی و نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های زندانیان هست که بخش دیگری از این مجموعه به شمار می‌آید.

پرسش- اجازه بده در بخش اول یعنی مسأله دستگیری، شکنجه و غیره چند پرسش داشته باشم؛

چند نوع دستگیری در این مجموعه‌ها به چشم می‌خورد؟

پاسخ- پرسش جالبی ست؛ زیرا در ابتداء چنین به نظر می‌رسد که «دستگیری» عمدتاً باید یک نوع باشد؛ ولی این طور نیست. جمهوری اسلامی تابع هیچ گونه حقوق شناخته شده بین‌المللی در برخورد با زندانیان سیاسی نیست و حتی قوانین موضوعه خود را نیز رعایت نمی‌کند؛ به این ترتیب که اکثرأ، زندانیان سیاسی را در یک حالت عاف‌گیرانه و به شکلی بسیار غیرانسانی و همراه با کتک و توهین (حتا در حضور اعضای خانواده و کودکان) و چه بسا به شکل دستگیری گروهی اعضای خانواده و کودکان آن‌ها انجام می‌دهد و در موارد بسیار هم متهمان را بدون اطلاع دراز مدت اعضای خانواده و کسان‌شان، دستگیر و زندانی می‌کند و زندانیان عملاً از داشتن وکیل و یک بازجویی منطبق با قوانین حقوق بشر محرومند.

این مجموعه البته تازه آغاز فشار بر زندانی به شمار می‌آید و آنچه پس از آن رخ می‌دهد به مراتب دهشتبارتر و رنج‌آورتر است.

پرسش- مسأله شکنجه چگونه است؟

پاسخ- دسته‌بندی مسائل مربوط به شکنجه مفصل‌تر است؛ به این معنی که با شکنجه، یک فراگرد تغییر جسمی و روانی در زندانی آغاز می‌شود که انتهای آن براستی برای هیچ‌کس روشن نیست و آدم نمی‌داند این امر چه زمانی به پایان خواهد رسید و کجا می‌توان از تأثیرات دردآور و کشنده شکنجه در آمان بود. بارها و بارها دیده شده است که یک زندانی تا لحظه اعدام مدام و برای درازمدت زیر شکنجه بوده و از آن رهایی نداشته است و باز بسیار پیش آمده است که پس از یک دور شکنجه، با روشن شدن بخش دیگری از پرونده، زندانی زیر دور تازه‌ای از شکنجه قرار گرفته و یا در موارد بسیار، زندانیان را به طور کلی زیر شکنجه و فشارهای طاقت‌فرسا مانند ضرب و شتم همگانی و محدودیت

استفاده از هواخوری، محل خواب و خوراک و دارو و درمان مناسب و یا محدودیت ملاقات و یا حتا شکنجه دادنشان در حضور اعضای خانواده برای اعتراف و یا شکنجه اعضای خانواده در حضور آنان و جنایت‌های دیگری از این دست قرارداداند. داستان تابوت‌ها و یا جعبه‌هایی که زندانی را برای چندین ماه طولانی، بدون داشتن اجازه کوچکترین حرکتی در آن قرار می‌دهند، برای همه آشناست و موضوع تجاوز جنسی، چه هنگام بازجوئی و یا در شب اعدام دختران باکره نیز، یکی دیگر از این شکنجه‌ها و جنایت‌هاست. بسیاری بوده‌اند پاسدارانی که روز پس از اعدام دختران باکره با یک جعبه شیرینی به نشانه تبریک دامادی خود به خانه خانواده زندانی رجوع کرده‌اند و به آنان اطلاع داده‌اند که دخترشان پس از تجاوز توسط وی اعدام شده است و بعد هم پول گلوله‌هایی را که فرزندشان را با آنها کشته‌اند از خانواده مطالبه کرده‌اند. در واقع جمهوری اسلامی خانواده‌های زندانیان سیاسی را هم به این وسیله شکنجه می‌کند.

پرسش- به‌طور مشخص چه نوع شکنجه‌هایی برای اعتراف‌گیری وجود دارد؟

پاسخ- انواع شکنجه جسمی وجود دارد؛ ساده‌ترین و دردآورترین و طولانی‌ترین آن‌ها شکنجه به صورت زدن کابل به بدن؛ به ویژه به کف پا است که زندانی را وادار به اعتراف می‌کند و یا او را از شدت درد بیهوش می‌سازد و یا می‌کشد. زدن شلاق به نقاط مختلف بدن، شکنجه به صورت آویزان کردن از یک دستبند به مچ دست و یا پا، کشیدن ناخن، سوزاندن نقاط مختلف بدن، خیس کردن بدن و دادن شوک برقی، ایستاده نگه‌داشتن‌های درازمدت، بیخوابی دادن طولانی، شکنجه با صدای شبانه روزی بلنگوها، شکنجه به صورت شنیدن صدای زندانیان دیگر که شکنجه می‌شوند، عدم درمان زخم‌های حاصل از شکنجه و بیماری‌های گوناگون ناشی از آلودگی محیط زندان، بدغذائی، کهولت، بیماری‌های واگیر و یا بیماری‌های زنانه و بیماری‌های کودکان و غیره. برآستی حتا فهرست این شکنجه‌های جسمی بسیار بیش از این‌هاست و نیاز به وقت زیادی برای توضیح دارد.

پرسش- شکنجه‌های روانی چگونه است؟

پاسخ- بله به این مجموعه باید شکنجه‌های روانی را هم افزود که شرح آن‌ها پیچیدگی بسیار دارد و نیز مستلزم دقت و وقت است. تحقیر، توهین، ناامید کردن، فشار از طریق توابعان، آزار اعضای خانواده در بیرون از زندان، کشاندن زندانیان به حسینیه‌ها و جلسات سخنرانی و تهدید و تحقیرهای غیرمستقیم و جلسات توبه و ندامت‌های دسته جمعی و ابراز انزجار از گذشته مبارزاتی، کشاندن زندانیان به توابعان و جاسوسی علیه رفقاء و هموندهای پیشین، محدودیت ملاقات، اجرای نمایشی اعدام، اعدام دیگران در حضور جمع، واداشتن زندانی به شلیک به زندانیان به هنگام اعدام، و انبوهی از جنایت‌ها و شکنجه‌های دیگر که شرح هر کدام، خود دردآور است.

پرسش- وضعیت زنان در زندان‌ها چگونه است؟

پاسخ- وضعیت زنان و زجر که آنان در زندان‌های جمهوری اسلامی می‌کشند به مراتب دشوارتر و سنگین‌تر از هر آنچه‌ای است که نصیب مردان می‌شود. جمهوری اسلامی ضمن این که حق زنان را از مواهب انسانی و اجتماعی نصف سهم مردان می‌داند، اما در زمینه شکنجه و ایجاد دشواری‌های بزرگ و طاقت‌فرسا برای آنان در زندان، سهم‌شان را اگر نگوئیم چند برابر، نسبت به مردان حداقل دوبرابر کرده است. زنان زندان سیاسی، هم توهین و تحقیر بیشتری می‌شنوند و هم به شدت بیشتری مورد شکنجه قرار می‌گیرند. کم نیستند زنانی که به‌خاطر شکنجه دچار خونریزی‌های درونی می‌شوند و یا به خاطر عادات و خونریزی ماهانه از دارو و مواد بهداشتی محرومند و بیماری‌های زنانه به‌شدت

رنجورشان می‌کند و توان و قوهٔ بدنی‌شان را می‌گیرد و همین امر، آنان را در زمان شکنجه شدن آسیب‌پذیرتر می‌کند. و یکی دیگر از شکنجه‌های جسمی و روانی آنان، تجاوز جنسی است که عمدتاً شامل حال آنان می‌شود تا مردان. توجه کنید که تجاوز جنسی، امر و تابویی است که بسیاری از زنان ابراز آن را به خانواده و حتی به دوستان خود ندارند و چه بسا به همین خاطر از طرف خانواده طرد نیز می‌شوند و کم نیستند زنانی که به همین خاطر دست به خودکشی می‌زنند.

پرسش- و بچه‌ها؟

پاسخ- بله به این مسأله باید موضوع بچه‌ها در زندان به همراه مادران‌شان را هم اضافه کرد.

محیط زندان برآستی برای بچه‌ها کشنده و مخرب است. بچه‌ها در زندان نه از تغذیه و بهداشت و محل استراحت مناسبی برخوردارند و نه وسیلهٔ بازی و فضای باز تنفسی و محل دویدن و ورزش و غیره دارند و نه می‌توانند با همسن‌های خود به مبادلهٔ تجربه و فراگیری و آموزش بپردازند و نه حتی اجازه دارند به صدای بلند بخندند و یا گریه کنند. بچه‌ها در زندان‌های جمهوری اسلامی روحیه‌ای افسرده و بیمار دارند و از همه چیز می‌ترسند و در خیال و فانتزی خود به جای بازی کودکانه، پاسداربازی و شلاق بازی و بازی‌های مخرب دیگری را پیش می‌گیرند که در محیط زندان دیده‌اند. آنان همگی از پاسدارها و داد و فریادشان می‌ترسند و از رفتن مادران‌شان به بازجویی و یا به هنگام توهین و تحقیرها دچار وحشت می‌شوند. آنها محیط زندان را یک جامعهٔ خشن و ناسازگار می‌بینند که روحیه‌شان را می‌کشد و طبعاً همراه زجر آنان، مادران، یعنی زنان زندان سیاسی نیز به شدت زجر می‌کشند و این نیز یکی دیگر از تأثیرات مخرب زندان بر جسم و جان زنان است.

پرسش- مسألهٔ توأبان تا چه حد برای زندانیان سیاسی سر موضع قابل تحمل است؟

پاسخ- توأبیین انسان‌های مفلوک در هم شکسته‌ای هستند که زیر فشار تاق‌تیرِ خشونت و شکنجهٔ زندانبانان خود، به قعر یک جهنم روحی و رفتاری سقوط کرده‌اند و می‌کوشند دیگران را هم با خود به این جهنم بکشانند. آنان برای رهائی از محیط رعب‌آور زندان به هر خیانت و جنایتی تن می‌دهند و از فداکردن عزیزترین رفقای پیشین و کسان خود ابائی ندارند. برآستی که برخورد با توأبیین در زندان‌های جمهوری اسلامی یکی از دشوارترین مسائل زندانیان سیاسی است و گزارش بسیاری از زندانیان حکایت از آن دارد که این توأبیین، در پاره‌ای مواقع قادر شده‌اند فضای زندان سیاسی را به یک جهنم فرساینده بدل سازند و مرتب همگان را آزار دهند و با دادن گزارشات تحریک کننده ای به زندانبانان، دیگران را به شکنجه شدن دچار کنند. از این رو، برخورد با توأبان، چه در سطح زندان و چه در ارزیابی نظری از حرکت آنان در خاطرات گوناگون، بر پایهٔ طرد و نفی آنان متکی است و نمی‌توان اجازه داد که این افراد عرصه را قبضه کنند و چنین نمایش دهند که مقاومتی در زندان‌های سیاسی جمهوری اسلامی در برابر بیدادها و سیاست‌های سرکوب رژیم وجود ندارد و همهٔ زندانبانان انسان‌های درمانده و پشیمانی هستند که سلطهٔ نابکارانهٔ رژیم را پذیرفته‌اند.

پرسش- وضعیت کارهای فرهنگی و هنری زندانیان سیاسی و نامه نگاری های آنان چگونه است؟

پاسخ- کار دستی و هنری، فرضاً درست کردن گردن‌بند، النگو، بافتن کیف و ساخان و سائل دیگر و یا نقاشی و مجسمه سازی و یا سرودن شعر و غیره همگی مسائلی است که به شدت ذهن زنانیان را به خود مشغول می‌کند و راهی است برای به کار انداختن خلاقیت، داشتن امید، یادآوری کسان و دوستان و در کل نوعی مبارزه و تلاش برای بودن و زنده ماندن و مبارزه است. اما زندانبانان نیز همواره در پی از بین بردن وسائل خلق و ساخته و نوشته شده است و به شدت

هرگونه سرگرمی و تلاشی در این زمینه را ممنوع می‌کند و مورد بازخواست و سرکوب قرار می‌دهد. در بیاری از موارد کشف آثار هنری و کارهای دستی و یا سرودن شعر و غیره به شکنجه و تنبیه بدنی و روانی شدید زندانیان منجر شده است. حتی درس خواندن در زندان سیاسی به شدت محدود است و رابطه زندانیان در این باره نیز زیر بازخواست قرار می‌گیرد. نوشتن نامه به اعضای خانواده نیز به شدت کنترل می‌شود تا هیچ خبر ویژه‌ای از زندان بیرون نرود و خانواده‌ها از آنچه در زندان می‌گذرد خبردار نشوند.

پرسش- از وصیت نامه ها چه می گویند؟

پاسخ- وصیت‌نامه‌ها یکی از مسائلی است که بازگویی روحیه و تلاش زندانیان برای ابراز آخرین خواست‌های مبارزاتی و انسانی است. بسیاری از وصیت‌نامه‌ها شجاعت و توان و مقاومت زندانیان سیاسی را به بهترین شکل نشان می‌دهد و بیان عمق آرزوها و آمال انسانی آن‌ها است که حتا تا لحظه‌های پایانی زندگی نیز خاموش نشده و همچون پرچمی در ذهنیت همگانی، به ویژه اعضای خانواده و رفقاء و هم‌زمان زندانیان برافراشته می‌ماند و آینده‌ای درخشان و انسانی را نوید می‌دهد. و نمایش این آثار در بسیاری از سیمنا‌های یادبود زندانیان سیاسی، نشانه اهمیت است که همگان برای این یادگارهای انسانی قائل‌اند.

پرسش- آیا موارد دیگر در باره این خاطرات دارید که ذکرشان برای روشن شدن کلی این بررسی ضرورت داشته باشد؟

پاسخ- مطالب بسیاری در باره دسته‌بندی مسائل زندان و خاطراتی که به شرح این مسائل پرداخته‌اند وجود دارد که به راستی اگر بخواهیم به همه آن‌ها بپردازیم به درازا خواهد کشید و صفحات محدود «نامه کانون» اجازه آن را نخواهد داد.

اما نکته مهمی که می‌توانم در پایان این مصاحبه کوتاه در این باره بگویم این است که؛ نوشتن خاطرات زندان، و گردآوری اسناد جنایت‌های رژیم جمهوری اسلامی نمونه‌هایی از ثبت یک رویداد تاریخی است که می‌تواند زمینه بررسی همه‌جانبه این موضوع را در آینده ممکن سازد و مدارکی برای محاکمه آمران این جنایت‌ها و مجریان درجه یک‌شان فراهم آورد.

شعار «نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم» شعاری نیست که هدفش انتقام گرفتن باشد؛ بلکه رهنمودی است که می‌کوشد، با گردآوری اسناد این جنایت‌ها و به محاکمه کشیدن آمران و مجریان آن، زمینه تداوم شکنجه و پایداری حقوق شهروندی انسان جامعه امروز را از میان بردارد و در راه بنای دنیایی حرکت کند که بر پرچمش احترام به حقوق انسان و تلاش برای سازندگی و رفاه یک جامعه انسانی نقش بسته باشد.

بهرام رحمانی- عباس سماکار عزیز از وقتی که برای این مصاحبه گذاشتی سپاسگزارم.

عباس سماکار- من هم سپاسگزارم.

* منبع: دفتر شماره ۲۱ کانون نویسندگان ایران در تبعید، بهار ۱۳۹۶